



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

سوء رفتار معلمان در نظام آموزش و پرورش: پیامدها و تاثیرات

آمنه علیزاده^۱، فاطمه فغفور ریحان^۲، لطیفه حیدری^۳، رعنا تقی نژاد هوراند^۴

۱- کارشناسی تاریخ دانشگاه پیام نور واحد شبستر

۲- کارشناسی هنرهای تجسمی تربیت معلم فاطمه الزهرا تیریز

۳- کاردانی هنرهای تجسمی دانشگاه تربیت معلم شهید شرافت تهران

۴- کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی مرکز مدیریت آس

a.alizadeh22@gmail.com

چکیده

از میان بسیاری از رفتارهای خودکنترلی که فرد بایستی در طی زندگی بیاموزد شاید هیچ یک به اندازه سوء رفتار در کانون توجه قرار ندارد، چراکه عدم توانایی در کنترل پرخاشگری و سوء رفتار باعث تحمیل هزینه‌های بسیاری بر فرد در موقعیت‌های مختلف زندگی می‌شود. اساساً پرخاشگری و سوء رفتار زمانی خود را بروز می‌دهند که تعادل بین تکانه‌ها و کنترل درونی در هم می‌شکند. هر گونه شرایطی که افزایش عوامل پرخاشگری را در زمینه کاهش کنترل فراهم کند ممکن است به بروز سوء رفتار منجر شود. سوء رفتار آن دسته از اقداماتی هستند که برای موقعیت یا زمینه مورد نظر نامناسب هستند، اما آگاهانه توسعه یافته‌اند. در این زمینه، تمامی رفتارهایی که مانع فعالیت‌های آموزشی در کلاس و مدرسه می‌شوند را می‌توان سوء رفتار تلقی کرد. اما وقتی سوء رفتار در مدارس ذکر می‌شود، ابتدا رفتارهای نامناسب فراگیران به ذهن‌خطور می‌کند. در واقع، معلمان ممکن است برخی سوء رفتار را نیز از خود بروز دهند و این رفتارها بر فرآیند یادگیری تأثیر منفی بگذارد و رفتارهای فراگیران را تحت تأثیر قرار دهد و یا این گونه رفتارها ممکن است عزت نفس و توانایی یادگیری فراگیران را از بین ببرد. سوء رفتار در مدارس همچنان یک چالش مهم برای معلمان است. روش مطالعه در این پژوهش به صورت تحلیلی توصیفی است. برای این منظور از ابزارهای کتابخانه همچون؛ مطالب پژوهشی، اسناد، مقالات مرتبط با موضوع استفاده شده است. پژوهش حاضر به بررسی عوامل ایجاد سوء رفتار در کلاس و موقعیت و جایگاه سوء رفتار معلمان در ادراک فراگیران می‌پردازد.

واژگان کلیدی: سوء رفتار، معلمان، فراگیران، یادگیری، نظام آموزش و پرورش.

مقدمه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

امروزه سوء رفتار مدرسه بر همه اعضای جامعه مدرسه تأثیر می‌گذارد. سوء رفتار به هرگونه فشار فیزیکی، روانی اجتماعی و عاطفی بر هر کسی که منجر به آسیب، صدمه و هرگونه مشکل عاطفی می‌شود، مربوط می‌شود (یاربقلی و همکاران، ۲۰۱۸). افراد زیر ۱۸ سال می‌توانند سوء رفتار را در مدرسه ایجاد کنند. سوء رفتار در مدرسه از منابع مختلفی سرچشمه می‌گیرد، بنابراین باید اطلاعات زیادی در مورد آنها بدانید. از سوی دیگر، بسیاری از نظریه‌ها مانند نظریه برونفنبرگر معتقدند که روابط دو طرفه هستند، بنابراین سوء رفتار بر معلمان و فراگیران تأثیر می‌گذارد. توهین، دعوا، تحقیق در مورد ویژگی‌های جسمی و روانی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، و وابستگی مذهبی یا قومی همگی نمونه‌هایی از حوادث سوء رفتار آمیز در مدرسه هستند. سوء رفتار مدرسه باعث ناسالم شدن کلاس‌ها و محیط‌های مدرسه می‌شود، تدریس را برای معلمان سخت می‌کند و رابطه بین فراگیران و معلمان را مختل می‌کند. به تعبیری ساده‌تر، پرخاشگری عبارت است از هرگونه رفتار قابل مشاهده‌ای که شاکله آن آسیب‌رسانی به دیگران باشد. امروزه سوء رفتار معلمان در مدرسه بر همه اعضای جامعه مدرسه تأثیر می‌گذارد. با این وجود، توجه به عوامل بسترساز که بر تعمیم این یافته‌ها تأثیر می‌گذارند، مهم است. اگرچه نتایج امیدوارکننده است، اما دامنه محدود مطالعات در این زمینه پژوهشی نیاز به ارزیابی بیشتر فرآیندی است که توسط معلمان به سوء رفتار کلاس پاسخ داده و با در نظر گرفتن ویژگی‌های خاص معلم، دانش‌آموز و به طور کلی محیط مدرسه را نشان می‌دهد.

از این روبرو هرگونه اقدام پرخاشگرانه از نوع بدنی، اجتماعی، اقتصادی و روانی که فرد در جهت پیشبرد امیال و خواست‌های خود، بدون توجه به تمایل و خواسته‌های دیگری استفاده کند، سوء رفتار اطلاق می‌شود. تعاریف سوء رفتار با توجه به محیط و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است؛ به همین سبب سازمان بهداشت جهانی، سوء رفتار را به عنوان استفاده عمدی از نیروی فیزیکی یا قدرت، تهدید برعلیه خود، شخص دیگر یا برعلیه گروه یا جامعه تعریف می‌کند که می‌تواند به احتمال زیاد به جراحت، مرگ یا آسیب روانی، رشد بد و ناصحیح و محرومیت منجر شود. مطابق با این تعریف، سوء رفتار معلم به عنوان استفاده عمدی معلمان از قدرت، در برابر فراگیران در اشکال مختلف از جمله فیزیکی، کلامی، روانی و جنسی تصور می‌شود که هدفش آسیب رساندن است (یاربقلی و همکاران، ۲۰۱۸).

جایگاه معلم در نظام آموزشی

مهمترین عامل در آموزش و فعالیت‌های آموزشی معلم است. معلم در کلی‌ترین عبارت، فردی است که در مؤسسات آموزشی کار می‌کند و دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا به اهداف و دستاوردهای شناختی، حسی و رفتاری در محدوده تعیین‌شده توسط سیستم آموزشی برسند. در عصر ما یک معلم مدرن از این تعریف نیز فراتر رفته است. معلمی فراتر از تدریس کلاس، سخنرانی، امتحان دادن و نمره دادن است. معلم همچنین جایگاه سازماندهی، مدیریت، مشاوره، مشاهده و ارزشیابی را بر عهده می‌گیرد. معلم همچنین جایگاه مهمی در تأثیرگذاری بر جامعه، ایجاد زیربنای سالم نسبت به آینده جامعه و تضمین تداوم این گونه اقدامات دارد (گاندگو و سیلمن، ۲۰۰۷).

بعد از خانواده، مدرسه اولین نهاد اجتماعی شدن کودک است. به غیر از والدین، این معلم دانش‌آموز است که به طور موثر در رشد شخصیتی و عملکرد تحصیلی و اجتماعی او در صندلی جلو قرار دارد. درک آموزش مدرن در عصر ما، وظیفه و مسئولیت مؤثر بودن نه تنها در رشد فکری کودک، بلکه در رشد شخصیت را تنها بر دوش معلم قرار می‌دهد. انجام این مسئولیت تنها از طریق توانایی معلم برای ایجاد ارزش‌های شخصیتی سالم و همچنین ایجاد کارایی در روابط خود با فراگیران امکان‌پذیر است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تا به آنها اجازه دهد آزادانه شخصیت خود را توسعه دهند. توانایی‌ها و ویژگی‌هایی که برای معلم خوب بودن لازم است نیز همان عواملی هستند که یک آموزش خوب را تعریف می‌کنند. یک معلم خوب هشت ویژگی اساسی دارد که عبارتند از: دانش مواد؛ تصمیم‌گیری؛ هر چند انتقادی و توانایی حل مسئله. درک خود و اصلاح خود؛ انعکاس؛ شناخت فراگیران و شناخت نیازهای یادگیری فراگیران؛ به کارگیری یافته‌های جدید در آموزش و پرورش؛ توانایی تدریس و ارتباط. می‌توان این خواص را در دو عنوان جمع‌آوری کرد. معلمی که نقادانه می‌اندیشد و معلم خودگردان. معلمی که می‌داند ماهیت دانش و توانایی‌ها مستقیماً بر دانش‌آموزان و اطرافیانش تأثیر می‌گذارد، مسئولیت دانش و توانایی‌های خود را بر عهده می‌گیرد، روابط مثبتی با دانش‌آموزانش ایجاد می‌کند و می‌تواند اینها را به بهترین شکل به دانش‌آموزان منتقل کند. در کل این فرآیند، تأثیر معلم در رشد شخصیت و موفقیت فراگیران واقعیتی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. معلم از طریق نگرش مثبت یا منفی در ارتباط با فراگیران و نحوه انعکاس آن، شکل زندگی آنها را جهت می‌دهد، تأثیر مثبت یا منفی بر نگرش نسبت به خود یا عموم مردم دارد و بر رشد فراگیران تأثیر می‌گذارد. توانایی برقراری ارتباط، تحقیق و خلاقیت و رفتار و رویکرد معلم مستقیماً توسط دانش‌آموزان پذیرفته می‌شود که مسئولیت‌های بزرگی را بر دوش معلمان می‌گذارد. مطالعات انجام شده در روز جاری به وضوح تأثیر تعامل متقابل فراگیران در روابط معلم و دانش‌آموز، رویکرد معلمان نسبت به فراگیران و به ویژه درک فراگیران از این موضوع را نشان می‌دهد (کان، ۲۰۱۱).

برای یک معلم، توانایی تعامل با دانش‌آموز و نشان دادن رفتار مثبت مانند پرسیدن سوال، درک افکار او، ابراز علاقه و قدردانی باعث افزایش انگیزه و موفقیت فراگیران می‌شود. معلمان در حالی که برای ارائه اطلاعات، تجربه و رفتار فراگیران در سطح رشد معینی در مورد یک موضوع خاص تلاش می‌کنند، با رفتار و نگرش خود به الگوهایی برای فراگیران تبدیل می‌شوند. نگرش‌های مثبت منجر به موفقیت می‌شود در حالی که نگرش‌های منفی منجر به شکست می‌شود و در نتیجه موفقیت می‌تواند به نگرش‌های من مثبت منجر شود در حالی که شکست منجر به نگرش‌های من منفی می‌شود. به عنوان مثال، اگر معلم به دلیل شکست دانش‌آموزی دست به اظهار نظرهای تحقیرآمیز بزند، اثرات منفی آن اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در مطالعه لئمن (۲۰۱۱) در رابطه با تأثیر رفتار مثبت معلم بر سطح انگیزه دانش‌آموز، نویسنده بر رفتارهای خاصی برای معلمان مانند دادن بازخورد برای آثار دانش‌آموز، تعریف کردن، تمایل به گوش دادن به دانش‌آموزان و علاقه‌مندی تمرکز کرده است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که اقدامات غیرکلامی معلمان مانند لبخند زدن، داشتن حالت آرام، ژست‌های مختلف و حالات چهره در بهبود تجربه یادگیری دانش‌آموزان حرف اول را می‌زند در حالی که موضوع خود کلاس در رتبه دوم قرار دارد. عملکرد دانش‌آموز کاملاً نتیجه کار آنها نیست. عملکرد تحت تأثیر عوامل زیادی قرار می‌گیرد و اولین مورد نگرش معلم است. نگرش مثبت معلم بر انگیزه دانش‌آموز، نگرش نسبت به مدرسه و کار مدرسه، اعتماد به نفس دانش‌آموز و در نتیجه رشد شخصیت تأثیر می‌گذارد. آموزش بسیار بیشتر از گفتن و توضیح دادن است. یکی از اساسی‌ترین اصول توانایی‌های تدریس، حمایت از دانش‌آموز توسط معلم است و معلم برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموز، انتظارات مثبت او را به کار می‌گیرد. در حالی که رفتار مثبت معلم به او اجازه می‌دهد تا رابطه مثبتی با فراگیران ایجاد کند، همچنین به معلم این امکان را می‌دهد که بر روی رفتار مثبت فراگیران به جای رفتار منفی تمرکز کند و جایگاه تقویت‌کننده را نیز ایفا کند.

در نظام آموزشی، شرط یک مربی خوب، شناخت خوب فرآیند ارتباط است. معلمی که سعی می‌کند از هم جدا شود عواطف دانش‌آموزان مانند علاقه، ترس و نگرانی را بشناسد، از فعالیت‌های اجتماعی دانش‌آموزان حمایت می‌کند، از آنها قدردانی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌کند، آن‌ها را تأیید می‌کند و به خاطر فعالیت‌هایی که آنها ارزشمند می‌دانند، به دانش‌آموزان این احساس را می‌دهد که مورد توجه، محبت و یاری قرار می‌گیرند. و اینکه معلم برای خیر آنها کار می‌کند. شاگردان چنین معلمی با الگو گرفتن از معلم، به نوبه خود مراقب دیگران، دویدن به کمک دیگران، حفظ روابط خوب و نگرش مثبت خواهند بود (زوربا، ۲۰۰۷).

سوء رفتار، دسته‌بندی و علل

تقسیم بندی‌های گوناگونی برای سوء رفتار وجود دارد، که از آن جمله می‌توان به سوء رفتار مستقیم و غیرمستقیم اشاره کرد، سوء رفتار مستقیم شامل هر آن چه که به عین دیده می‌شود و آشکار است، مانند زد و خورد، شکنجه، قتل و ... است، در حالی که سوء رفتار غیر مستقیم به چشم دیده نمی‌شود ولی آثار آن احساس می‌شود مانند کینه، کدورت، بی اعتمادی، بی تفاوتی و عدم همکاری. دسته بندی دیگر سوء رفتار را در اشکال جسمانی، کلامی، عاطفی و جنسی جای می‌دهد که عبارتند از:

۱- سوء رفتار جسمانی فیزیکی: شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگزدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. این صدمات می‌تواند در نتیجه‌ی استفاده از اشیایی نظیر کمر بند، ترکه چوب و چماق به وجود آید.

۲- سوء رفتار جنسی: در واقع عبارت است از اینکه بزرگسالان یا کودکان بزرگ‌تر از یک کودک برای ارضای جنسی استفاده کنند، که ممکن است همراه با تماس یا بدون تماس باشد. اشکال تماس شامل لمس کردن جنسی یک کودک یا تقاضا نمودن از کودک که یک بزرگسال را به طریق جنسی لمس کند. اشکال غیرتماسی نیز شامل در معرض نمایش قراردادن آلات جنسی در مقابل کودک یا عکس‌های مستهجن از کودکان گرفتن و... است.

۳- سوء رفتار کلامی: بعضی از رفتارها از جمله تحقیر، توهین، دشنام، زیرپا گذاشتن حقوق دیگران، تمسخر و بی‌عدالتی در گفتار را دربرمی‌گیرد.

۳- سوء رفتار عاطفی (روانی): سوء رفتار عاطفی یا بد رفتاری روانی به عنوان لفظی تعریف شده است که در آن یک فرد بزرگسال به خودپنداری شایستگی‌های اجتماعی کودک حمله می‌کند، که در الفاظی مانند اهانت، تهدید یا تحقیر کردن به کار برده می‌شود. به عبارتی نگرش و رفتارهای تحقیرآمیز یک فرد بزرگسال یا یک فرد مسن نسبت به یک کودک و آسیب رساندن به اعتماد به نفس او به عنوان سوء رفتار عاطفی در نظر گرفته می‌شود. سوء رفتار عاطفی همچنین می‌تواند در میان همسالان نیز رخ دهد. اظهارات توهین آمیز، اتهامات، تهدید، مورد خطاب قرار دادن با القاب تحقیر آمیز، توهین یا بی‌توجهی کردن، نمونه‌هایی از سوء رفتار عاطفی در مدرسه هستند. علاوه بر این، محیطی که در آن به کودکان توجه نمی‌شود و بی‌اعتمادی در آن رایج است نیز از جمله عوامل زمینه ساز سوء رفتار عاطفی محسوب می‌شود.

سوء رفتار پدیده جدیدی نیست و در طول تاریخ رفتارهای نامطلوب‌های مختلفی رخ داده است که اکثراً در جهت دستیابی به منافع شخصی و به دلیل اختلاف‌های گوناگون که در مسیر رسیدن به این منافع وجود داشته است رخ داده است (شکوهی یکتا و همکاران ۱۳۹۰). آنچه در تعلیم و تربیت هائز اهمیت و نگران کننده است، گسترش سوء رفتار در مدارس و بی‌توجهی به آن است. در مورد عوامل ایجاد کننده سوء رفتار نظریه‌های مختلفی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱- نظریه بی‌سازمانی و آشفتگی اجتماعی: پیرامون این نظریه سوء رفتار را به عنوان پیامد بی‌نظمی و بی‌انضباطی حاکم بر فضای زندگی فرد می‌نگرند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۲- نظریه ناکامی: طبق این نظریه اگر هر فردی در رسیدن به هدف خود با شکست مواجه شود ناکامی حاصل، احتمال پاسخ پرخاشگرانه او را افزایش می‌دهد. طبق این نظریه، مهم ترین عامل در ایجاد پرخاشگری از میان همه عوامل ممکن ناکامی است، ولی این به آن معنا نیست که ناکامی همواره به پرخاشگری منجر می‌شود یا اینکه ناکامی تنها علت پرخاشگری است. در این رابطه یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چقدر فراگیران در رسیدن به اهداف مورد نظر خود ناکام شوند، به همان اندازه احتمال بروز رفتار سوء رفتار آمیز افزایش می‌یابد.

۳- نظریه یادگیری اجتماعی: این دیدگاه به تأثیر خانواده و افراد هم سن در ارتکاب به سوء رفتار اشاره دارد. براساس این دیدگاه رفتارهای افراد در اثر همنشینی با افراد جامعه آموخته می‌شود. محیط خانواده و تجربه‌های نخستین فرد در مدرسه از جمله مهم‌ترین علل اجتماعی مؤثر در رفتارهای خشن به حساب می‌آیند. بنابراین، براساس این نظریه، سوء رفتار از طریق مشاهده چه به طور مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم آموخته می‌شود و کودکانی که سوء رفتار را می‌آموزند بیشتر از دیگر افراد در بزرگسالی عامل سوء رفتار یا قربانی سوء رفتار می‌شوند، به عبارت دیگر رفتارهای نامطلوب، سوء رفتار را می‌پروراند.

فاکتورهای مؤثر بر سوء رفتار معلمان

تحقیقات انجام گرفته حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان و افراد مجرد، امتیاز بیشتری نسبت به افراد متأهل داشتند. به نظر می‌رسد معلمان مرد از خودکنترلی و کنترل سوء رفتار کمتری برخوردارند زیرا آنها کمتر اجتماعی و دوستانه هستند. از سوی دیگر، مردان بیشتر از زنان از رفتارهای پرخاشگرانه استفاده می‌کنند، شاید این تفاوت در فرهنگ منشأ می‌گیرد که مردم از مردان توقع دارند که سرسخت و انعطاف‌ناپذیر باشند و زنان احساساتی‌تر باشند و برای خشن بودن تربیت نشده باشند (یاریقی و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین معلمانی که مجرد هستند شاید فرآیند اجتماعی شدن خود را کامل نکرده و رفتارهای خود را مدیریت نمی‌کنند. علاوه بر این، معلم متأهل ممکن است فرزند داشته باشد، بنابراین دلسوزانه عمل می‌کند و صبرشان بیشتر از مجردها است، زیرا قبلاً آموخته‌اند (شکوهی یکتا و همکاران ۱۳۹۰). مطالعات قبلی اشاره کردند که شرایط عاطفی، بهزیستی معلم و سطح استرس معلمان باعث شد که آنها رفتار پرخاشگرانه داشته باشند. شرایط کار نیز یکی از منابع اعمال سوء رفتار آمیز علیه فراگیران است.

لازم به ذکر است که سطح تحصیلات معلم بر سوء رفتار تأثیر می‌گذارد، معلمان دارای مدرک دیپلم نسبت به سایر معلمان سوء رفتار بیشتری داشتند، این نتیجه حاصل می‌شود که در دانشگاه بسیاری از دروس مربوط به مشکلات روانی-اجتماعی می‌آموزند که چگونه می‌توانند احساسات خود را کنترل کنند یا زمانی که در این موقعیت قرار گرفتند چگونه می‌توانند انجام دهند. بهترین، بنابراین معلمانی که دارای مدرک دیپلم هستند و تحصیلات آکادمیک ندارند، بیشتر مستعد استفاده از سوء رفتار هستند. تحقیقات کان (۲۰۱۱) نشان دادند که کم کاری فیزیکی مرتبط با سوء رفتار فیزیکی و کلامی، سرقت و سرقت و توانایی عاطفی پایین با سوء رفتار فیزیکی و کلامی، استفاده از سلاح و برخی از انواع سوء رفتار رابطه دارد. ما یک همبستگی بین توانایی کاری فیزیکی، عاطفی و آینده معلمان و سوء رفتار مدرسه پیدا کردیم که نشان دهنده نیاز به ترویج یک محیط امن تر برای کار در داخل مدرسه و در کل جامعه است. چویی (۲۰۲۱) نشان داد که حمایت تحصیلی معلمان از نوجوانان در مدارس با منابع ضعیف کم است. برنامه‌های پیشگیری ثانویه در مدارس به دانش‌آموزان آموزش‌های اضافی و حمایت تحصیلی در مناطق محروم ارائه می‌کنند، بنابراین می‌توانند سوء رفتار و پیامدهای اجتماعی-اقتصادی تاخیر مدرسه را در نوجوانان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کاهش دهند (چوبی، ۲۰۲۱). فرارا و همکاران (۲۰۱۹) نشان داد که معلمان با حقوق پایین تهاجمی تر عمل می کنند (فرارا و همکاران، ۲۰۱۹). پیشکین و همکاران (۲۰۱۴) معتقد بود که شرایط اقتصادی، در دسترس بودن امکانات، تعداد زیاد فراگیران و سیستم حمایتی برای تدریس بر رفتار معلمان تأثیر می گذارد. همچنین تأثیرات معنادار و منفی سوء رفتار مدرسه را بر مشارکت حرفه ای معلم با واسطه خودکارآمدی معلم نشان داد (پیشکین و همکاران، ۲۰۱۴).

پیامدهای سوء رفتار معلمان در یادگیری فراگیران

تحقیقات در مورد پیامدهای سوء رفتار دوران کودکی، چه در محیط مدرسه و چه در خارج از محیط مدرسه، شدت این مشکل را تایید می کند. برای کودک پرخاشگر، نشان داده شده است که چنین رفتاری به طور جدی رشد تحصیلی، اجتماعی و عاطفی او را مختل می کند. به طور خاص، رفتار پرخاشگرانه رشد تحصیلی کودک را مختل می کند و قرار گرفتن در معرض تعاملات اجتماعی را محدود می کند. در رابطه با عملکرد مدرسه، کودکان پرخاشگر اغلب با اثر ترکیبی مشکلات نظم کلاسی و مشکلات پیشرفت تحصیلی روبرو هستند. بین ۱۱ تا ۶۱ درصد از کودکان دارای مشکلات رفتاری و رفتارهای نامطلوب، ناتوانی یادگیری قابل توجهی دارند با این حال، سیاست های مدرسه به طور کلی الزام می کند که فراگیران پرخاشگر فوراً از کلاس درس حذف شوند تا اطمینان حاصل شود که افراد یا اموال مدرسه آسیب بیشتری نمی بینند در نتیجه، دانش آموزان پرخاشگر بدون شک با مفاهیم مهم تحصیلی که در کلاس تدریس می شوند کمتر مواجه می شوند و پس از بازگشت به کلاس های خود از پیشرفت تحصیلی خود عقب تر هستند (لستر و همکاران، ۲۰۱۷). ادامه چالش ها و شکست های تحصیلی ممکن است باعث تشدید رفتارهای مشکل ساز در محیط مدرسه شود. جای تعجب نیست که رفتار پرخاشگرانه نیز پیامدهای منفی قابل توجهی برای کسانی که با کودک در تعامل هستند به همراه دارد. در واقع، طبق مطالعه ملی رفتار خطرآفرین جوانان در سال ۲۰۰۵، بین ۳ تا ۹،۴ درصد از دانش آموزان در ایالات متحده گزارش می دهند که در مدرسه به دلیل سوء رفتار دانش آموزان در مدرسه یا در حین انتقال به مدرسه یا از مدرسه احساس ناامنی می کنند. نرخ ها در میان فراگیران دبیرستانی و ابتدایی دبیرستان به اوج خود می رسد. علاوه بر این، ادامه وقوع حوادث بسیار مشکل ساز مانند تیراندازی در مدرسه و اشکال جدی تر یا مزمن قلدری وجود دارد. اگرچه رویدادهای جدی نادر است، اما آنها یک احساس ماندگار از شوک، دلهره و اندوه را در بین فراگیران در همه جا به جا می گذارند (پیکارسکا، ۲۰۰۰).

پیامدهای منفی سوء رفتار شامل مشکلات تحصیلی، عزت نفس پایین، اجتناب از مدرسه، افسردگی و اضطراب است. یک مطالعه عمیق و جامع در مورد پیشگیری از سوء رفتار در مدارس هم ضروری و مهم است. قربانیان سوء رفتار مدرسه بیش از همسالان خود مضطرب و ناامن هستند و واکنش آنها گریه کردن و منزوی کردن خود است. قربانیان عزت نفس پایینی دارند و در مقابل همسالان خود احساس بدبینی، تحقیر، شرم، انزوا، طرد شدگی و غیرجذابیت می کنند. آنها مهارت های اجتماعی ضعیفی دارند و مشکلاتی در روابط بین فردی خود دارند، مانند اضطراب اجتماعی، تنهایی و ترس از قضاوت منفی. معلمان جایگاه حمایتی مهمی در پیشگیری از سوء رفتار در مدارس ایفا می کنند، مانند کمک به فراگیران در درس هایشان. مدارس مکان های مهمی برای رشد دانش آموزان آینده هستند، سطوح مختلف سوء رفتار مدرسه در دسترس است و معلمان اغلب از سوء رفتار فیزیکی و عاطفی علیه کودکان استفاده می کنند. سوء رفتار مدرسه گاهی اوقات با عدم تعامل، جابجایی یا رفاه عاطفی معلم مرتبط است. در بسیاری از کشورها، روشن نیست که چگونه سوء رفتار مدرسه بر حرفه معلمان تأثیر می گذارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آزار کلامی، جسمی و روانی-اجتماعی همگی اشکال سوء رفتار هستند(هکر و همکاران، ۲۰۱۸). دلایل زیادی از جمله ارتباط معلمان با سایر کارکنان، وضعیت اقتصادی و عاطفی معلمان، رضایت شغلی و غیره منجر به سوء رفتار معلم علیه دانش‌آموزان می‌شود، حتی رفتار دانش‌آموز با معلم نیز منجر به سوء رفتار می‌شود. مطالعات انجام شده در مورد سوء رفتار فیزیکی نشان داد که افرادی که بسیار عصبانی بودند و رفتارهای سوء رفتار آموخته‌اند، فشار زیادی بر بدن خود وارد می‌کردند که منجر به مشکلات طولانی مدت در قلب و سیستم عصبی می‌شد. طبق مطالعات قبلی، دانش‌آموزان پرخاشگر و بدون پیشرفت تحصیلی، معلمان خود را تحریک می‌کنند تا با سوء رفتار علیه آنها رفتار کنند همچنین سوء رفتار بیشتر کلامی است و اغلب در مدارس با اقلیت‌های قومی از مناطق حاشیه نشین رخ می‌دهد. مدارس راهنمایی و دبیرستان در سراسر جهان مملو از دانش‌آموزانی است که قربانی سوء رفتار همسالان، معلمان یا سایر کارکنان مدرسه شده‌اند(پیکارسکا، ۲۰۰۰). همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که از دیدگاه دانش‌آموزان، رفتارهای نامطلوب‌آمیزترین رفتار «بی‌توجهی به دست بلند کردن»ها یا پاسخ ندادن به سؤالات دانش‌آموزان» بوده، در حالی که از دیدگاه معلمان، رفتارهای نامطلوب‌آمیزترین رفتار «تهدید دانش‌آموزان به دادن نمره‌های پایین‌تر یا رد کردن آن‌ها» است. همچنین از دیدگاه دانش‌آموزان، «سرزنش کردن کل کلاس یا گروهی که در آن حضور دارید» بیشترین میانگین سوء رفتار معلمان را دارد(تنوکلیت و همکاران، ۲۰۱۲).

بحث و نتیجه گیری

در نتیجه مطالعه انجام گرفته این نکته مهم به دست آمد که رفتارهای معلمان چه در مدرسه و چه در جامعه تاثیر مستقیم بر فراگیرانشان دارد و در واقع یک رابطه متقابل طولی میان سوء رفتار معلمان و یادگیری فراگیران دارد. سوء رفتار و پرخاشگری از هر نوع و دسته‌ای که از سوی معلمان صورت پذیرد از این مسئله جدا نیست و افراد در ارتباط مستقیم با خود یعنی فراگیران را تحت تاثیر قرار می‌دهد. واکنش‌های فراگیران به این نوع از رفتار که معمولاً در جوامع مختلف ناشایست تلقی می‌شود پاسخ‌ها و پیامدهای مثبتی در آینده خود آنها و در نتیجه در آینده جامعه ندارند. در نظر گرفتن عوامل مختلفی نظیر داشتن آسایش و رفاه فکری همچنین دارا بودن آموزش‌های لازم در مورد ارتباط و رفتار با فراگیران می‌تواند سبب کاهش میزان سوء رفتار معلمان شده که آثار خوبی را در جامعه به خصوص در آینده فراگیران در پی خواهد داشت. همچنین یادگیری فراگیران در طول تحصیلاتشان تنها وابسته به معلم نبوده و سایر افراد حاضر در مدرسه همچنین سایر افراد جامعه از عوامل موثر بر یادگیری و آینده شغلی و جایگاه اجتماعی آنها هستند. تجربیات دانش‌آموزان از سوء رفتار در نظام آموزشی به شکل «سیستم آموزشی مضر»، «ترک تحصیل» و «کاربرد راهبردهای مراقبتی» است. سوء رفتار معلمان به صورت‌های مختلف بروز می‌کند و این نیز تاثیرات بسیاری منفی بر فراگیران دارد. بیشترین تاثیر منفی از نوع عاطفی است که می‌تواند در زندگی آینده فراگیران تاثیرات منفی می‌گذارد.

منابع



۱. یاری قلی، بهبود و حرفتی سبحانی، محمد و قصاب زاده، جواد و رحیمی، حبیبه، ۱۳۹۷، تجربیات معلمان از عوامل زمینه ساز خشونت در مدارس: مطالعه پدیدارشناسانه
۲. بابایی، محبوبه، ذوالقدر، علی، ندرلو، سکینه و ذوالقدر، حمید (۱۳۹۲). عوامل و ریشه های خشونت در بین دانش آموزان دوره دبیرستان آذرشهر، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی ۱-۱۰، ن ۳۹:۱۲
۳. شکوهی یکتا، محسن، زمانی، نیره و جوادی آسایش، سحرانه (۱۳۹۰). پیگیری اثر آموزش های شناختی - رفتاری بر کنترل خشم در معلمان دانش آموزان کم توان ذهن فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی ۱۴۶-۱۲۹
۴. Choi, B. (2021). Cycle of violence in schools: Longitudinal reciprocal relationship between student's aggression and teacher's use of corporal punishment. *Journal of interpersonal violence*, 36(3-4), 1168-1188.
۵. Can, G. (2011). Development of personality. *Educational psychology: Development-learning-teaching*(7 ed.). Ankara: Pegem Akademi.
۶. Ferrara, P., Franceschini, G., Villani, A., & Corsello, G. (2019). Physical, psychological and social impact of school violence on children. *Italian journal of pediatrics*, 45(1), 1-4.
۷. Gundogdu, K., & Silman, F. (2007). Teaching as a profession and effective teaching. 2۰۰۷). *Handbook of basic concepts, 259-292.*
۸. Hecker, T., Goessmann, K., Nkuba, M., & Hermenau, K. (2018). Teachers' stress intensifies violent disciplining in Tanzanian secondary schools. *Child Abuse & Neglect*, 76, 173-183.
۹. Lester, S., Lawrence, C., & Ward, C. L. (2017). What do we know about preventing school violence? A systematic review of systematic reviews. *Psychology, Health & Medicine*, 22(sup1), 187-223.
۱۰. Inelmen, E. (2011). Integrating all learning activities around a city study curriculum. *Cypriot Journal of Educational Sciences*, 6(1), 37-45.
۱۱. Piekarska, A. (2000). School stress, teachers' abusive behaviors, and children's coping strategies. *Child Abuse & Neglect*, 24(11), 1443-1449.
۱۲. Pişkin, M. E. T. İ. N., Atik, G. Ö. K. H. A. N., Çınkır, Ş. A. K. İ. R., Öğülmüş, S. E. L. A. H. İ. D. D. İ. N., Babadoğan, M. U. S. T. A. F. A., & Çokluk, Ö. (2014). The development and validation of the teacher violence scale Öğretmen şiddeti ölçeği'nin geliştirilmesi ve doğrulanması. *Eğitim Arastirmalari-Eurasian Journal of Educational Research*, 14(56).
۱۳. Theoklitou, D., Kabitsis, N., & Kabitsi, A. (2012). Physical and emotional abuse of primary school children by teachers. *Child abuse & neglect*, 36(1), 64-70.
۱۴. Yarigholi, B., Herfati Sobhani, M., Ghsabzadeh, J., & RAHIMI, H. (2018). Teachers' experiences of the underlying factors of violence in schools, a phenomenology study. *The Journal of New Thoughts on Education*, 14(1), 159-197.
۱۵. Zorba, H. (2007). *Öğrencinin başarısında öğretmenin davranışlarının etkisi* (Master's thesis, Sosyal Bilimler Enstitüsü).